

هند و چین

بازارهای بالقوه صادرات گاز ایران

مرتضی بهروزی فر



امضا نمودند، ولی تا کنون مسائل اقتصادی و سیاسی متعددی مانع از تحقق دستیابی به توافقی قطعی در این زمینه شده است. در همین حال، در فوریه ۲۰۰۲ ایران و پاکستان یادداشت تفاهمی در زمینه احداث خطلوله ۱۶۰۰ مایلی به ارزش ۳ تا ۴ میلیارد دلار از جنوب ایران به جنوب پاکستان و سپس تا هند امضا نمودند.

روش دیگر انتقال گاز ایران به هند، صادرات LNG ایران به هند می باشد. در ژانویه ۲۰۰۵، شرکت هندی GAIL و شرکت ملی صادرات گاز ایران، قراردادی در زمینه صادرات سالانه تا ۷/۵ میلیون تن LNG از سال ۲۰۰۹-۱۰ امضا نمودند.

چین نیز خواهان دریافت LNG ایران می باشد. در اکتبر ۲۰۰۴، ایران قراردادی ۲۵ ساله با شرکت چینی Sinopec به ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار امضا نمود که بر مبنای آن، سالانه ۱۰ میلیون تن LNG به این شرکت چینی تحویل نماید و این شرکت نیز در احداث پالایشگاه مایعات گازی و نیز توسعه میدان

با وجود ذخائر عظیم گاز طبیعی، ایران بدنبال راه یافتن به بازارهای جهانی گاز می باشد. علاوه بر ترکیه، بازارهای بالقوه صادرات گاز ایران عبارتند از: اروپا، اکراین، هند، پاکستان، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، تایوان، کره جنوبی، چین و کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس.

صادرات به این بازارها می تواند از طریق خطلوله و یا به صورت LNG باشد. در این راستا در فوریه ۲۰۰۵، شرکت ملی نفت و شرکت BG انگلیس، یادداشت تفاهمی در خصوص احداث تأسیسات تولید LNG در بندر تمبک به ارزش ۲/۲ میلیارد دلار امضاء نمودند. این تأسیسات شامل ۲ واحد، هر یک به ظرفیت ۴ میلیون تن در سال خواهد بود و پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۰۸ به بهره برداری برسد.

هرچند ایران و هند در سال ۱۹۹۳ یادداشت تفاهمی در مورد احداث خطلوله خشکی انتقال گاز ایران به هند از طریق پاکستان

با سرعت بیشتری آغاز شود. اما در این میان پروژه سوم بیشتر به سود قزاق‌هاست، چون امکان ارتباط خطوط لوله روسیه با خط لوله چین را فراهم می‌کند.

شرکت ملی نفت فرا ساحلی چین (CNOOC) اعلام کرد که مجوز اجرای فاز اول پروژه ۸۷۰ میلیون دلاری LNG را در استان فوجیان در جنوب این کشور به دست آورده است. این شرکت چینی اعلام کرد که فاز اول پروژه یاد شده شامل احداث پایانه‌ای با ظرفیت دریافت اولیه سالانه ۲/۶ میلیون تن LNG، ساخت یک لنگرگاه برای پهلو گرفتن کشتی‌های حامل LNG و نیز احداث خطوط لوله‌ای به طول مجموع ۳۶۹ کیلومتر می‌شود. LNG تولیدشده در میدان گازی تانگو در اندونزی از طریق این پایانه به چین منتقل خواهد شد و در نیروگاه‌هایی که قرار است در طول مدت اجرای این پروژه ساخته شوند و نیز در بخش خانگی در پنج شهر استان فوجیان، به مصرف خواهد رسید. شرکت ملی نفت فراساحلی چین که بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و گاز طبیعی در پروژه‌های دریائی چین به‌شمار می‌رود، در سپتامبر ۲۰۰۲ با امضای قراردادی با شرکت انگلیسی BP، ۵/۱۲ درصد از پروژه میدان گازی تانگو اندونزی را به‌دست آورد. بر طبق این قرارداد ۲۵ ساله، از سال ۲۰۰۷ سالانه ۲/۶ میلیون تن LNG از میدان تانگو به پایانه شرکت CNOOC در استان فوجیان منتقل خواهد شد.

شرکت CNOOC احداث یک واحد LNG با هزینه ۱/۲ میلیارد دلار در استان هبی در شمال چین را در دستور کار خود قرار داده است. هدف از اجرای این طرح، تنوع‌بخشیدن به منابع تامین انرژی چین به منظور برآورده کردن نیازهای فزاینده پکن، استان هبی و مناطق دیگری در چین از جمله شهر تیانجین است. این شرکت نفتی در اواخر ژوئیه ۲۰۰۵ احداث دومین خط لوله انتقال گاز را از استان شانچی در شمال غرب این کشور به پکن برای پیشگیری از کمبود سوخت در زمستان آغاز کرد. دولت چین در ژانویه ۲۰۰۵ عرضه گاز از خط لوله شانچی - پکن را به برخی واحدهای صنعتی و منازل، به دلیل سرمای شدید هوا و افزایش شدید تقاضا قطع کرد. این کشور که رشد مصرف انرژی قابل توجهی دارد، بطور فعال مصرف LNG را ترویج می‌کند تا به منابع انرژی خود تنوع بخشیده و مصرف زغال‌سنگ خود را با سوخت‌های پاکیزه‌تر جایگزین نماید.

PetroChina نیز یادداشت تفاهمی با استاندارهای پکن و هبی برای احداث پایانه‌های LNG در شهر تنگشن امضا کرد که ظرفیت نخستین مرحله از پایانه ۶، LNG میلیون تن در سال خواهد بود که در مرحله دوم تا ۱۰ میلیون تن در سال افزایش خواهد یافت. پتروچاینا که مالک ۵۱ درصد سهام این پروژه خواهد بود، این طرح را به کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات برای تصویب ارائه کرده است. عملیات ساخت به محض تصویب این طرح آغاز خواهد شد و امید می‌رود که نخستین مرحله این پروژه تا سال ۲۰۰۹ تکمیل شود. این شرکت نفتی همچنین سرگرم مذاکره با کشورهای دیگر از جمله استرالیا و اندونزی برای وارد کردن LNG است. پکن قبلاً با طرح LNG پتروچاینا در استان جیانگسو در شرق این کشور موافقت کرده است که می‌تواند تا ۳ تا ۳/۵ میلیون تن LNG واردتی را در سال دریافت نماید. پتروچاینا همچنین قبلاً توافقنامه برای ساخت پایانه‌های دریافت LNG در استان لیاونینگ در شمال شرق و گوانگچی در جنوب غربی این کشور امضا کرده است.

یادآور آن همکاری نماید.

با توجه به چشم‌اندازهای ارائه‌شده و برنامه‌های در دست اقدام، بازارهای بالقوه صادرات گاز ایران عبارت از اتحادیه اروپا و ترکیه در غرب، هند، چین و پاکستان در شرق، برخی از جمهوری‌های فاقد منابع انرژی شوروی سابق در شمال و نیز برخی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس می‌باشند.

برنامه‌های دولت چین برای توسعه مصرف گاز طبیعی

این اعتقاد وجود دارد که انرژی‌هایی مانند انرژی بادی، خورشیدی و انواع مشابه دیگر حداقل تا ۳۰ سال آینده در چین به عنوان منابع عمده تامین انرژی مطرح نخواهند بود. دولت چین برنامه‌ای دارد که بر مبنای آن تولید انرژی هسته‌ای خود را به سرعت گسترش خواهد داد. انتظار می‌رود در سال ۲۰۳۵ چین ۲۰ درصد از انرژی مورد نیاز خود را از انرژی هسته‌ای تامین نماید، در حالیکه این میزان در حال حاضر دو دهم درصد است.

پیش‌بینی می‌شود مصرف سالانه گاز طبیعی چین طی یازدهمین برنامه ۵ ساله (۲۰۱۰-۲۰۱۶) به حدود ۶۰ میلیارد مترمکعب برسد. مصرف سالانه کنونی گاز طبیعی چین حدود ۴۷ میلیارد مترمکعب در سال است که تنها ۳ درصد از نیاز این کشور را به انرژی تامین می‌کند. این نسبت در برنامه ۵ ساله آتی به ۶ تا ۸ درصد افزایش خواهد یافت. همچنین انتظار می‌رود مصرف گاز طبیعی چین تا سال ۲۰۳۰ به ۱۵۷ میلیارد مترمکعب در سال افزایش یابد که حدود ۳۰ درصد آن از خارج تامین خواهد شد. LNG وارداتی از کشورهای جنوب شرق آسیا، استرالیا و خاورمیانه، سهم قابل توجهی از مصرف این کشور را تامین می‌کند. در نیمه نخست سال ۲۰۰۵ تولید و مصرف گاز طبیعی در چین در حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است. تاکنون شرکت ملی پتروشیمی چین و شرکت ملی نفت فراساحلی چین، تامین‌کننده عمده گاز طبیعی این کشور بوده‌اند.

شرکت اکسون موبیل که رهبری پروژه عظیم نفت و گاز ساخالین را برعهده دارد، در حال مذاکره با شرکت ملی نفت چین است. اکسون موبیل امیدوار بود بتواند در نیمه اول سال ۲۰۰۶ قراردادی مبنی بر احداث یک خط لوله گاز که جزیره ساخالین واقع در شمال شرق روسیه را به چین متصل می‌کند، با این کشور امضا و صادراتش را در سال ۲۰۰۸ آغاز کند. امضای چنین قراردادی قابل توجه است زیرا در ابتدا قرار بود تمام تولید گاز پروژه ساخالین ۱ از طریق خط لوله‌ای به طول ۱۵۰۰ کیلومتر به ژاپن صادر شود.

قزاقستان نیز با ارائه ۳ پیشنهاد، علاقه‌مندی خود را برای احداث خط لوله‌ای به منظور صدور گاز به چین اعلام کرده است:

- نخستین پیشنهاد مطرح شده، مربوط به احداث خط لوله‌ای از آلماتی به چین است. در حال حاضر بخشی از این خط لوله در آلماتی عهده‌دار انتقال میعانات گازی به ترکمنستان و ازبکستان است.
- پیشنهاد دوم شامل احداث خط لوله‌ای از میادین نفت و گاز غرب قزاقستان به چیمکنک و از آنجا به سمت آلماتی و چین است.

- سومین پیشنهاد، احداث یک خط لوله از امسک به جنوب قزاقستان و آستانه و سپس از آنجا به سمت مرز قزاقستان و چین است.

چین پروژه اول این پیشنهاد را ترجیح می‌دهد، چون به لحاظ فنی دارای پیچیدگی کمتری است ضمن اینکه ساخت آن می‌تواند

حدود ۳۰۰ میلیون دلار از هزینه تامین انرژی هند می‌کاهد و سالانه در حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار نیز نصیب پاکستان می‌نماید. این پروژه به دلیل تنش میان دو کشور هند و پاکستان و نگرانی مقامات هندی از امنیت این خطلوله، تاکنون اجرا نشده است.

تجارت، بستر همکاریهای منطقه‌ای

با پیشرفت مذاکرات بین شرکت‌های نفتی، کمیته‌ها و مقامات رسمی ایران، پاکستان و هند، مسائل جدیدی چون تامین تقاضای فرآیندهای انرژی در آسیای جنوبی و همکاریهای بین منطقه‌ای، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. همکاریهای بین‌المللی هند - پاکستان در کنار همکاریهای هند - ایران و همچنین ایران - پاکستان می‌تواند تأثیر بالقوه‌ای بر روابط دوجانبه بین کشورها و اختلافات بر سر افغانستان، کشمیر و کل امنیت منطقه داشته باشد.

پس از سفر رئیس‌جمهور وقت ایران به نیویورک در سپتامبر ۲۰۰۰، ژنرال مشرف بر تمایل پاکستان جهت شرکت در طرح خطلوله تأکید نمود و آن را نمونه‌ای از همکاریهای منطقه‌ای توصیف کرد. وی خاطرنشان ساخت که توسعه خطلوله و منابع گاز طبیعی در پاکستان، به منزله نجات اقتصادی کشور است و وابستگی این کشور به منافع حاصله از صادرات عمده کتان و منسوجات را کاهش می‌دهد.

این خطلوله، بستری برای توسعه روابط و حل مشکلات و اختلافات بین سه کشور ایران، هند و پاکستان خواهد بود. اقداماتی نظیر احداث خطوط لوله صادراتی گاز و وابستگی کشورهای منطقه از نظر تامین تقاضای نفت و گاز به یکدیگر، می‌تواند یکی از راه‌حل‌های رفع مشکلات سیاسی بین دولتها باشد.

پاکستان و هند مطمئن هستند که در آینده نمی‌توانند تقاضای داخلی انرژی خود را تامین کنند؛ از این رو، به دنبال واردات انرژی هستند و یکی از مطمئن‌ترین و ارزان‌ترین منابع تامین انرژی برای این کشورها، گاز ایران است که می‌توان آن را به وسیله خط لوله از ایران به این کشورها انتقال داد. تحقیقات نشان می‌دهد که اجرای این خط لوله از لحاظ فنی و اقتصادی قابل اجراست، اما اجرای این پروژه به اراده سیاسی کشورهای میزبان بستگی دارد.

با آن که اجرای این پروژه مزیت‌هایی در بردارد، اما ریسک‌هایی نیز وجود دارند که باید پیش از اجرای پروژه برطرف شوند. ریسک اندکی در توسعه بالادستی ایران وجود دارد، برای کاهش ریسک در سایر قسمت‌ها، می‌توان از ابزار حقوقی، تجاری، فنی و فیزیکی استفاده کرد. اولین موضوعی که در اجرای این پروژه اهمیت دارد، توافق میان دولت‌هاست و در شرایط ایده‌آل باید توافقی سه‌جانبه میان این کشورها وجود داشته باشد تا بتوان چارچوبی را برای اجرای این پروژه تعیین کرد. کارشناسان بر این باورند که از لحاظ تجاری و حقوقی، توافقی دو جانبه میان این کشورها قابل اجراست. نکته دوم، امکان ذخیره‌سازی گاز برای پاسخ به تقاضای بازار در مواقع اضطراری بازار است تا به این ترتیب، اگر بخشی از این خط لوله صدمه دید، تقاضای بازار در این مدت از محل ذخیره تامین شود و بنابراین مشکلات کمتری ایجاد خواهد شد.

یکی از مسائل مهم، حق ترانزیتی است که پاکستان از دولت هند برای عبور خط لوله و انتقال گاز دریافت خواهد کرد. دولت پاکستان در مقابل دریافت این حق ترانزیت، می‌بایست امنیت انتقال گاز به هند را نیز تامین کند و هنگامی که عرضه گاز به هند متوقف شود، پاکستان باید به هند غرامت بپردازد.

شرکت گازپروم روسیه نیز از مذاکره با CNPC برای فروش ۶۰ میلیارد مترمکعب گاز در سال خبر داده است.

مذاکرات با شرکت چینی Sinopec برای صادرات سالانه ۱۰ میلیون تن LNG ایران به چین با روند مناسبی ادامه دارد. یادداشت تفاهمی با شرکت Sinopec برای صادرات LNG ایران به چین به میزان ۲۵۰ میلیون تن در مدت ۲۵ سال امضا شده است و در حال حاضر، مذاکرات با این شرکت پیشرفت قابل توجهی دارد و پیش‌بینی می‌شود که قرار داد صادرات سالانه ۱۰ میلیون تن LNG به چین به زودی نهائی شود. ارزش قرارداد با شرکت چینی Sinopec ۵/۱ میلیارد دلار در سال برآورد می‌شود. این قرارداد در مدت ۲۵ سال حدود ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلار برای ایران درآمد ایجاد خواهد کرد.

یادداشت تفاهم دیگری نیز با شرکت CNPC چین برای صادرات ۹ میلیون تن در سال LNG ایران به چین امضا شده است، براساس این یادداشت تفاهم نیز ایران ۲۰۰ میلیون تن LNG در مدت ۲۵ سال به چین صادر خواهد کرد. مذاکرات با شرکت CNPC در مراحل اولیه قرار دارد.

صادرات گاز طبیعی ایران به هند از طریق خطلوله

پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند که تاریخ شروع انتقال گاز به دو کشور هند و پاکستان یکسان است. بی‌گمان، دو کشور نمی‌توانند در آینده، تقاضای داخلی خود را تامین کنند و برای برطرف کردن نیاز خود، به گاز طبیعی و LNG نیاز خواهند داشت. شرکت ملی نفت ایران و شرکت BHP Billiton در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که نوع انرژی صادراتی به هند، باید حائز دو ویژگی اصلی باشد: یکی آن که از لحاظ زیست‌محیطی قابل قبول باشد و دوم این که هزینه اندکی دربرداشته باشد. تنها پروژه انتقال انرژی که این دو ویژگی را دارد، پروژه صدور گاز ایران توسط خطلوله است. هنگامی که این خطلوله راه‌اندازی شود، هند می‌تواند منبع غنی و تضمین شده انرژی در اختیار داشته باشد.

این امکان وجود دارد که این خطلوله از طریق پاکستان و یا از طریق خط لوله‌ای از مناطق کم‌عمق دریای عمان و اقیانوس هند و یا از طریق مناطق عمیق آن به هند امتداد یابد که در هر صورت بیش از ۴ میلیارد دلار هزینه دربر خواهد داشت و پیش‌بینی می‌شود این خطلوله، ظرفیت انتقال سالانه حداکثر ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی را داشته باشد.

احداث خطلوله از مناطق عمیق اقیانوس هند، بدلیل هزینه بالا و نیاز به تکنولوژی پیشرفته، عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد. احداث خطلوله‌ای از مناطق کم‌عمق ساحلی عملاً همان مخاطرات امنیتی خطلوله خشکی را دارد و علاوه بر آن نیز، از نظر اقتصادی، هزینه بیشتری را (در زمان ساخت و هنگام بهره‌برداری) بدنبال خواهد داشت. بنابراین، گزینه عملی، همان احداث خطلوله انتقال گاز از خاک پاکستان به هند می‌باشد.

مطالعات و مذاکرات مربوط به احداث خطلوله گاز ایران به پاکستان از سال ۱۹۹۰ آغاز شده است. پروژه احداث خط لوله ایران - پاکستان - هند در سال ۱۹۹۴ مطرح شد. بر اساس این طرح، طول خط لوله گاز ایران به هند از مسیر خشکی ۲۷۷۵ کیلومتر خواهد بود که ۱۱۱۵ کیلومتر آن در خاک ایران، ۷۶۰ کیلومتر در خاک پاکستان و ۹۰۰ کیلومتر در خاک هند و میزان گاز انتقالی بنا به توافق طرفین، در حدود ۲۷ میلیارد مترمکعب در سال خواهد بود. احداث این خطلوله

شورای عالی اقتصاد به تصویب برسد. مذاکراتی نیز جهت صدور مقادیر دیگری از LNG در جریان است.

هرچند با توجه به شرایط فعلی کشور در زمینه جذب سرمایه و تکنولوژی موردنیاز، احداث چنین تاسیساتی تا سال ۲۰۰۹، دور از دسترس به نظر می‌رسد.

مزایای احداث خطلوله انتقال گاز

هرچند احداث خطلوله انتقال گازی طبیعی ایران از طریق پاکستان به هند با موانع عدیده از جمله مشکلات سیاسی هند و پاکستان (این دو کشور ۳ بار طی سالهای ۱۹۴۹، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ درگیر جنگ تمام عیار شدند)، تامین امنیت خط لوله (این خط لوله از مناطقی عبور خواهد کرد که دولت مرکزی پاکستان هیچ کنترلی بر آن ندارد)، هزینه بالای احداث و حفاظت (کنترل توسط ماهواره، نیاز به احداث برج‌های مراقبت با فواصل اندک و ...) و ... روبه‌رو خواهد بود، اما برای احداث این خطلوله، می‌توان مزایای زیادی را برشمرد. مهم‌ترین این مزایا، عبارتند از:

این طرح، ضمن ارزآوری برای ایران، به مقاصد صادراتی گاز ایران، تنوع می‌بخشد.

اجرای این پروژه به منابع تامین انرژی پاکستان تنوع بخشیده و راهکار مناسبی برای تامین انرژی در درازمدت، در اختیار این کشور قرار می‌دهد. دریافت حق ترانزیت نیز برای انتقال گاز در این پروژه، منبع درآمد جدیدی برای دولت پاکستان محسوب خواهد شد.

مزایای این پروژه برای هند همانند پاکستان است، اما نیاز این کشور به گازی طبیعی بسیار بیشتر از پاکستان می‌باشد. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی هند، اجرای این طرح دارای مزیت‌های تاریخی است که یکی از آنها توافقی است که میان هند و پاکستان منعقد می‌شود.

گردآمدن سه کشور در کنار یکدیگر و درچارچوب انتقال گازی طبیعی، باعث افزایش همبستگی و ایجاد همگرایی بین این کشورها خواهد شد که بستر مناسبی برای همکاری این کشورها در دیگر زمینه‌ها، تلقی می‌شود.

این بازی منطقه‌ای، با کاهش مخاطرات سیاسی، بدنبال ارتباط منافع ملی کشورها به یکدیگر، باعث ثبات سیاسی و اقتصادی در منطقه خواهد شد.

کاهش مخاطرات سیاسی و اقتصادی، زمینه‌ای برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه خواهد بود.

این راهکار، نیازمند احداث خطوطلوله جدید و یا توسعه خطوطلوله موجود است، بنابراین زمینه‌مناسبی برای سرمایه‌گذاری‌های جدید و جذب سرمایه خارجی و در نتیجه تمایل قدرتهای جهانی برای ایجاد ثبات در این منطقه خواهد بود.

همکاری منطقه‌ای و جذب سرمایه خارجی باعث کمک به شکوفائی اقتصادی منطقه خواهد شد.

پروژه‌های عمده خط لوله گاز در دست اجرا و یا در دست بررسی منطقه به سوی شرق

برای انتقال مازاد عرضه گازی طبیعی، کشورهای منطقه خلیج فارس و دریای خزر درصدد احداث خطوطلوله انتقال جدیدی هستند. عمده‌ترین خطوط لوله در دست اجرا و یا در دست بررسی در منطقه خلیج فارس عبارتند از:

مهم‌ترین پروژه در دست اجرای بین‌مرزی در منطقه خلیج فارس،

برای دولت هند، امنیت تامین عرضه گاز، بسیار بااهمیت است و در مورد این طرح، بیشترین تضمین برای حفظ امنیت اقتصادی و سیاسی برای هند باید وجود داشته باشد. مقامات هندی معتقدند که درآمد پاکستان از محل حق ترانزیت گاز، تضمین معقولی برای مقابله با خرابکاری احتمالی بر ضد این خطلوله است.

اما پاکستان در استراتژی صادرات گاز ایران جایگاه دوگانه‌ای دارد، از یک طرف خطلوله خشکی صادرات گاز ایران به هند از خاک این کشور عبور خواهد کرد و از طرف دیگر در میان همسایگان ایران، این کشور پس از ترکیه بزرگترین کشور متقاضی گاز ایران محسوب می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که با کاهش تولید گاز داخلی و افزایش تقاضای گاز به‌ویژه در بخش تولید برق این کشور، از سال ۲۰۱۰ به بعد با افزایش قابل توجه تقاضای گاز روبه‌رو شود. انتقال گاز ایران به هند از طریق خاک پاکستان براساس برآوردها، سالانه ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار نصیب پاکستان می‌کند.

هندیها خواهان تضمین امنیت خط لوله توسط پاکستان شده‌اند و با آنکه پاکستان این تضمین را ارائه داده اما دولت هند قانع نشده و مذاکرات ادامه دارد با این حال دولت ایران با توجه به نیاز پاکستان به گاز طبیعی، مسئله صادرات گاز طبیعی به پاکستان را جدا از بحث خط لوله ایران - پاکستان - هند نیز دنبال کرده و مذاکرات با مقامات پاکستانی در این زمینه نیز در جریان است.

در نهایت ایران و هند، سیزدهم مرداد ماه سال ۱۳۸۴، در دهلی نو بیانیه‌ای امضا کردند که در آن حمایت کامل خود را از صادرات گاز ایران به هند با خط لوله اعلام نمودند. هند موافقت کرد که چارچوب‌های کاری و قراردادی پروژه خط لوله صادرات گاز تا پایان سال ۲۰۰۵ بین دو طرف نهایی شود. براساس توافق به دست آمده، قرار بود چارچوب‌های قراردادی پروژه خط لوله «ایران - پاکستان - هند» تا پایان بهمن ماه ۱۳۸۴ (فوریه ۲۰۰۶) نهایی و امضا شود. طبق زمان بندی تعیین شده، پیش‌بینی می‌شد قرارداد خرید و فروش گاز بین ایران و هند نیز تا تابستان ۲۰۰۶ امضا شود.

دولت هند برای اهتزاز از وابستگی به تنها یک مسیر و ایجاد ضریب بالای امنیت عرضه انرژی، نگاهی به بازارهای جهانی LNG نیز دارد و در این راستا، قسمتی از نیاز انرژی خود را به صورت LNG وارد می‌کند. این کشور در حال حاضر، بخش اعظم گاز مورد نیاز خود را از شرکت پترونات قطر خریداری می‌کند. شرکت گاز هند که درصدد یافتن منبعی برای خرید گاز ارزان است، مذاکره برای خرید گازی طبیعی ایران و نهایی کردن قیمت آن را از مدتها قبل شروع کرده که در این راستا مذاکرات خرید LNG از ایران را دنبال نموده است.

تمایل به واردات LNG علی‌رغم امکان‌پذیری انتقال گازی طبیعی توسط خطلوله، نشانگر این مسئله است که کماکان در نقاطی که همکاریهای بین کشورهای درگیر منطقه دستخوش بحرانهای سیاسی است، عرضه گاز بصورت LNG می‌تواند چاره‌ای در این خصوص محسوب گردد. برای هند نیز قطعاً چنین مسئله‌ای صدق می‌کند. این کشور بجای آنکه خود را درگیر اختلافات منطقه‌ای خصوصاً با پاکستان نماید، پیشنهاد احداث خطلوله‌ای از بستردریا به جای کشیدن خطلوله از خاک پاکستان را تحت مطالعه قرار داده و پتانسیل خود را برای دریافت LNG توسعه می‌دهد.

در حال حاضر، ایران قراردادی را با هند جهت صدور سالانه ۵ میلیون تن LNG از دسامبر ۲۰۰۹ امضا نموده که بایستی توسط

می‌توان شبکه خطلوله‌ای را متصور شد که از سلطان‌نشین عمان آغاز شده و پس از درنوردیدن امارات متحده عربی، قطر، بحرین و کویت به عربستان سعودی و عراق منتهی شود.

جمهوری اسلامی ایران با شبکه گسترده داخلی خطلوله انتقال گاز طبیعی (و برنامه‌های توسعه آن) و امکان اتصال سریع و نسبتاً ارزان با همسایگان پیرامون خود، این امکان را دارد تا با اتصال به خط لوله پیشنهادی در جنوب خلیج فارس از طریق عراق و نیز بدلیل نزدیکی تاسیسات گازی ایران و قطر در خلیج فارس، اتصال به این خطلوله در تاسیسات گازی گنبدشمالی قطر، حلقه اتصال کشورهای منطقه خلیج فارس به شبکه موجود خطلوله انتقال گاز جمهوری‌های شوروی سابق در شمال باشد.

شبکه خطلوله شمال می‌تواند با احداث خطوط جدید و یا توسعه خطوط موجود، کشورهای خلیج فارس را به کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، روسیه و ترکیه متصل نماید.

می‌توان با سرمایه‌گذاری مشترک و یا جذب سرمایه خارجی با پشتوانه این همیاری، این شبکه را از شرق به بازارهای درحال ظهور هند و چین و حتی ژاپن امتداد داد و با اتصال این شبکه به خطوط لوله ترکیه و روسیه، به دروازه‌های اروپا رسید.

همچنین می‌توان به منظور تنوع‌بخشی به مبادی صادراتی، با اتصال این شبکه به ارمنستان و گرجستان، با احداث خطلوله‌ای از بستر دریای سیاه و یا احداث تاسیسات LNG در سواحل این دریا، از چندین مسیر به اروپا گاز صادر نمود.

با احداث چنین شبکه‌ای می‌توان علاوه بر تامین نیاز کشورهای نیازمند واردات گاز منطقه همانند امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان و جمهوری‌های منطقه قفقاز، با سوپ گاز میان کشورهای گازخیز منطقه (همانند ایران و ترکمنستان)، از انتقال مضاعف گاز پرهیز نمود و گاز را با قیمت مناسب‌تری عرضه کرد و در نهایت از امنیت ایجاد شده در سایه این شبکه، برخوردار بود.

حتی می‌توان ترتیباتی اتخاذ نمود تا خطلوله طراحی شده‌ای که قرار است گاز مصر را به لبنان، سوریه و احتمالاً ترکیه برساند، به این شبکه متصل شده و عملاً حوزه نفوذ این شبکه به شمال آفریقا نیز تسری یابد.

مزایای احداث شبکه انتقال گاز

برای احداث چنین شبکه‌ای، می‌توان مزایای زیادی را برشمرد، اما مهم‌ترین این مزایا، عبارتند از:

۱- با احداث چنین شبکه گسترده‌ای و گردآمدن تعداد زیادی تولیدکننده و مصرف‌کننده در یک مجموعه، امکان مانور یک تولیدکننده و یا یک مصرف‌کننده کاهش یافته و باعث ارتقاء امنیت عرضه و تقاضای گاز طبیعی خواهد شد.

۲- گردآمدن چنین جمعی در کنار یکدیگر و درچارچوب انتقال گاز طبیعی، باعث افزایش همبستگی و ایجاد همگرایی این کشورها خواهد شد که بستر مناسبی برای همکاری این کشورها در دیگر زمینه‌ها فراهم خواهد آمد.

۳- این بازی منطقه‌ای، با کاهش مخاطرات سیاسی، بدنبال ارتباط منافع ملی کشورها به یکدیگر، باعث ثبات سیاسی و اقتصادی در منطقه خواهد شد.

۴- کاهش مخاطرات سیاسی و اقتصادی، زمینه‌ای برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه خواهد بود.

پروژه دلفین می‌باشد. براساس طراحی‌های انجام شده، این پروژه شامل توسعه بالادستی، فرآورش و انتقال گاز طبیعی از حوزه گنبدشمالی قطر (حوزه مشترک با پارس جنوبی ایران) به امارات متحده عربی می‌باشد و در نهایت قرار است این خطلوله، کشورهای قطر، امارات متحده عربی و عمان و احتمالاً پاکستان و سپس هند را به یکدیگر متصل نماید و پیش‌بینی می‌شود هزینه‌ای بالغ بر ۰۱میلیارد دلار دربرداشته باشد.

خط لوله بالقوه دیگر در دست بررسی در منطقه، خط لوله انتقال گاز طبیعی ایران به هند و پاکستان می‌باشد. همانگونه که به تفصیل توضیح داده شد، باتوجه به تنش‌های سیاسی بین هند و پاکستان، این امکان وجود دارد که این خط لوله از طریق پاکستان و یا از طریق خط لوله‌ای از مناطق کم عمق دریای عمان و اقیانوس هند و یا از طریق مناطق عمیق آن به هند امتدادیابد که در هر صورت بیش از ۴ میلیارد دلار هزینه دربر خواهد داشت و پیش‌بینی می‌شود سالانه حداکثر ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی را منتقل نماید.

در منطقه خزر، خطلوله گاز متعددی در دست بررسی و یا اجرا قرار دارند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

خط لوله Centgas (Central Asia Gas) که با ۸۷۰ مایل طول، سالانه ۷۰۰ میلیارد فوت مکعب گاز را از دولت آباد در ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان و احتمالاً به هند منتقل خواهد نمود و احتمالاً بیش از ۴ میلیارد دلار هزینه دربر خواهد داشت.

خط لوله‌ای که از ترکمنستان به چین برنامه‌ریزی شده و احتمالاً تا ژاپن نیز امتداد خواهد یافت. این خط لوله تا چین حدود ۱۰ میلیارد دلار و اگر تا ژاپن ادامه یابد هزینه بیشتری به دنبال خواهد داشت.

شبکه انتقال گاز منطقه (شبکه صلح)

منطقه خاورمیانه طی دهه‌های اخیر، همواره همزاد نااطمینانی و حوادث ناگواری همچون جنگ و تنش‌های قومی و سیاسی بوده و کشورهای حوزه خزر به‌خصوص منطقه قفقاز نیز پس از اضمحلال شوروی سابق، دستخوش مناقشات قومی و مرزی بوده‌اند.

کشورهای مناطق یادشده بدلیل اوضاع خاص سیاسی و اقتصادی خود، حداقل تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی، نیازمند توسعه ذخائر هیدروکربوری خود می‌باشند و چشم‌اندازهای موجود نیز، آینده قابل‌قبولی را برای مصرف گاز طبیعی جهان پیش‌بینی می‌نماید.

یکی از مناسب‌ترین و اقتصادی‌ترین روشهای انتقال گاز طبیعی در شرایط حاضر، حمل و نقل آن توسط خطلوله می‌باشد.

خطوط لوله بدلیل ماهیت خود، نیازمند سرمایه اولیه بسیار سنگین بوده و وابستگی شدیدی به مقیاس اقتصادی آن دارند و پس از احداث نیز از درجه بسیار پائینی از انعطاف‌پذیری برخوردار می‌باشند. اما احداث خطلوله بین مرزی، باعث گسترش همکاری‌ها و روابط اقتصادی میان کشورهای ذی‌نفع، توسعه اقتصادی کشورهای مسیر خطلوله و ایجاد فرصتهای جدید تجاری خواهند شد.

اگر چنانچه بتوان ترتیبی اتخاذ نمود تا منافع ملی کشورهای این دو منطقه حساس انرژی جهان به یکدیگر پیوند بخورد و در یک بازی جمعی، همه این بازیگران مهم در کنار یکدیگر قرار گیرند، بدون تردید علاوه بر ایجاد و حفظ صلح و ثبات در این دو منطقه پرتنش، گامی بلند به سوی تامین عرضه انرژی دنیا برداشته خواهد شد.

چین نیز با توجه به روند رشد اقتصاد خود و نیز روند ارتقاء سطح استانداردهای زندگی در این کشور، نیازمند متنوع‌سازی منابع تامین انرژی خود بوده و بدنبال رهایی از مشکلات ناشی از مصرف زغال‌سنگ در اقتصاد داخلی خود می‌باشد. با توجه به چنین شرایطی، چین یکی از بازارهای بالقوه عظیم منابع گازی ایران می‌باشد.

بنابر این هند و چین، به عنوان بازارهای بالقوه هدف صادرات گاز کشور مطرح می‌باشند که با توجه به سیاستهای دولت جدید جمهوری اسلامی ایران درخصوص نگاه به شرق، در صورت برنامه‌ریزی متناسب و ایجاد زیرساختهای فنی، اقتصادی و سیاسی مورد نیاز، به نظر می‌رسد امکان افزایش درآمدهای ارزی کشور و نیز ارتقاء سطح همکاریهای بین‌المللی در این زمینه وجود داشته باشد.

اما همانگونه که در فصل اول به تفصیل بیان شد، پیش‌بینی می‌شود تقاضای گاز طبیعی اتحادیه اروپائی و امریکای شمالی به عنوان دو بازار بزرگ گاز طبیعی جهان، به شدت افزایش یابد که بدلیل محدودیت منابع داخلی گاز این مناطق، واردات گاز طبیعی تنها راه تامین مصرف روبه‌تزايد این دو منطقه خواهد بود.

با توجه به این موضوع که این مناطق دارای بازارهای شفاف و توسعه یافته هستند و بازار گاز ایالات متحده آزادسازی شده و بازار اروپا نیز در این مسیر قرار دارد، و نیز این کشورها سرمایه لازم را جهت واردات گاز طبیعی و نیز سرمایه و تکنولوژی لازم را جهت توسعه منابع گازی کشور ما در اختیار دارند، بازارهای جذابی برای گاز ایران خواهند بود که در کنار چین می‌توانند به عنوان بازارهای هدف صادرات گاز ایران مطرح باشند و به نظر می‌رسد توسعه صنعت LNG کشور و هدف گذاری جهت صادرات به این سه بازار بزرگ گاز جهان، منطقی باشد. درمقابل با توجه به مشکلات احداث خط لوله به هند و نیز عدم توان مالی قابل توجه این کشور در خرید گاز طبیعی و نیز سرمایه‌گذاری در زیرساختهای صادراتی ما، صادرات گاز ایران به هند حداقل در کوتاه مدت با مشکلات اساسی مواجه می‌باشد.

از دیگر سو، با توجه به وجود حجم قابل‌توجهی از ذخائر گاز طبیعی جهان در منطقه خلیج فارس و دریای خزر، همکاری و تعاون این کشورها در زمینه دادوستد و انتقال گاز طبیعی، علاوه بر تامین نیاز کشورهای این مناطق، درآمد قابل‌توجهی را نصیب این کشورها خواهد نمود، همچنین ضمن تامین امنیت عرضه انرژی برای کشورهای عمده مصرف‌کننده گاز طبیعی در اروپا و آسیا، بستری بسیار مناسب برای رفع بحران‌های منطقه‌ای و گره خوردن منافع ملی کشورها به هم خواهد بود.

تجربه ثابت نموده‌است که جمع‌جبری منافع حاصل از همکاری در این منطقه، صفر نخواهد بود و سود یک طرف الزاما به معنی ضرر طرف مقابل نیست، بلکه همکاری این کشورها باعث خواهد شد تا منافع همه طرفین بازی در این منطقه و حتی کشورهای عمده مصرف‌کننده انرژی جهان تامین شود.

البته تبدیل چنین رویائی به واقعیت، نیازمند همکاری، همدلی و تعاون کشورهای منطقه و نیز قدرتهای جهانی است. کشورهای قدرتمند جهان می‌توانند با تامین سرمایه و تکنولوژی مورد نیاز و نیز تسهیل در ایجاد زیرساختهای سیاسی مورد نیاز، سهم قابل‌توجهی در این مهم داشته باشند.

۱۵- ایجاد این شبکه، نیازمند احداث خطوط لوله جدید و یا توسعه خطوط لوله موجود است. بنابراین زمینه‌مناسبی را برای سرمایه‌گذاری‌های جدید و جذب سرمایه خارجی فراهم آورده و در نتیجه تمایل قدرتهای جهانی برای ایجاد ثابت در این منطقه را به دنبال خواهد داشت.

۶- همکاری منطقه‌ای و جذب سرمایه خارجی باعث شکوفائی اقتصادی منطقه خواهد شد.

۷- احداث چنین شبکه‌ای، از سرمایه‌گذاری مضاعف کشورهای منطقه برای احداث خطوط لوله موازی و در نتیجه غیراقتصادی شدن سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده، جلوگیری خواهد نمود.

۸- توسعه شبکه انتقال گسترده در منطقه، امکان تامین گاز طبیعی کشورهای منطقه با حداقل هزینه فراهم خواهد شد. به این ترتیب و بعنوان مثال ایران مجبور به تامین نیاز مناطق شمالی خود از جنوب کشور نخواهد بود.

۹- احداث این شبکه، از وابستگی تولیدکنندگان منطقه و مصرف‌کنندگان جهانی گاز به یک مسیر منحصر به فرد، جلوگیری خواهد نمود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گاز طبیعی بدلیل ماهیت خود و نگرانی‌های زیست‌محیطی فرآینده بشر در آغاز هزاره سوم، به سوختی ایده‌آل تبدیل شده و چشم‌اندازهای آتی آن حتی آینده‌ای بهتر را برای آن ترسیم می‌نماید.

منطقه خاورمیانه بدلیل موقعیت ژئواستراتژیک خود و نیز وجود ذخائر عظیم انرژی، بواسطه سیاستهای کشورهای استعماری و نیز سیاست زمامداران این کشورها که بدنبال حداکثرسازی منافع ملی خود بدون لحاظ منافع سایر کشورهای منطقه بوده‌اند، دهه‌های پرتنش را سپری نموده‌است.

با توجه به وجود حجم قابل‌توجهی از ذخائر گاز طبیعی جهان در این منطقه، همکاری و تعاون این کشورها در زمینه دادوستد و انتقال گاز طبیعی، علاوه بر تامین نیاز کشورهای نیازمند گاز این مناطق، درآمد قابل‌توجهی را نصیب این کشورها خواهد نمود، مضاف بر آن، ضمن تامین امنیت عرضه انرژی برای کشورهای عمده مصرف‌کننده گاز طبیعی آسیا، بستری بسیار مناسب برای رفع بحران‌های منطقه‌ای و گره خوردن منافع ملی کشورها به هم خواهد بود.

از زمان اکتشاف مخزن گازی پارس جنوبی و افزایش میزان ذخایر اثبات شده گاز طبیعی کشور، دولت ایران بر تلاش خود به منظور صادرات بیشتر گاز افزوده است. کشورهای آسیای جنوبی مانند هند و چین، با برخورداری از منابع اندک گاز طبیعی و پتانسیل تقاضای بالای انرژی، و نیز اتحادیه اروپا؛ در زمره بازارهای سودآور مورد نظر دولت ایران محسوب می‌شوند.

پیش‌بینی شده است که تقاضا برای گاز طبیعی هند بعنوان دومین کشور پرجمعیت جهان، به میزان چشم‌گیری افزایش یابد. به‌طور عمده دلایل این افزایش اجرای پروژه‌های جدید نیروگاهی، کارخانه‌های پتروشیمیائی و مصارف عمده صنعتی عنوان می‌شود، بنابراین هند ملزم به واردات حجم عظیمی از گاز طبیعی به منظور رفع نیازهای رو به تزايد خود است که منطقی‌ترین و اقتصادی‌ترین راه آن، واردات از طریق خط لوله خواهد بود؛ از این رو مسئله انتقال گاز ایران به هند از طریق پاکستان مطرح شده‌است.